

# سنت یک پیغام زنده

ویلفرد دوان

سطح متوسط

[www.irancatholic.com](http://www.irancatholic.com)

## فهرست

۵	.....مقدمه
۱۱	..... الف) قدردانی و شناخت تاریخی
۱۱	..... سنت در عهد عتیق
۱۳	..... عهد جدید
۱۵	..... سنت از دیدگاه پولس رسول
۱۸	..... انتقال اولیه پیغام انجیل
۲۰	..... تأثیر سرنوشت ساز ایرنائوس قدیس
۲۲	..... ترتولیان
۲۳	..... توسل به آیین نیایش و دیگر رسانه ها
۲۵	..... یگانگی عمیق میان کلیسا، کتاب مقدس و سنت
۲۵	..... تمایل به جدا نمودن این عناصر آغاز می شود
۲۷	..... طبقه بندی شورای ترنت
۳۰	..... کتاب مقدس و سنت به منزله دو منبع مکاشفه
۳۱	..... دیدگاه های معاصر پیرامون سنت

این کتاب ترجمه ای است از:

TRADITION, A LIVING MESSAGE

by: Wilfrid F. Dewan  
1964, Paulist Press

## مقدمه

روحیات نوین کلیسای جهانی<sup>۱</sup> و بسیاری از مطالعات اخیر الهیاتی ما را به سوی ستایش و درکی عمیق تر نسبت به رابطه میان مکاشفه و سنت<sup>۲</sup>، سنت و کتاب مقدس و سنت و رسوم<sup>۳</sup> هدایت کرده است. اما در این میان، جهان مادی، سنت را با افسانه ها و آداب و رسوم در هم می آمیزد تا آنجا که برخی اشخاص می توانند ادعا کنند تعالیم برگرفته از «سنت» از همان اعتبار کتاب مقدس برخوردارند.

کاربرد عام واژه «سنت» ریشه بسیاری از سوء تعبیرهای معاصر از مفهوم الهیاتی این کلمه است. برای نمونه: سخاوت یکی از محسنات «سنتی» برخی ملتهاست، برای پیشاهنگان، آمادگی یک «سنت» محسوب می شود و جسارت، نزد دریانوردان به عنوان یک «سنت» پذیرفته شده است.

در مقیاسی دیگر، اموری که کمتر می توان به طور قاطع به اثبات آنها پرداخت نیز به عنوان سنن «مسلم» به ما منتقل شده اند (اموری از قبیل این که تومای قدیس، بشارت انجیل را به هند برد یا این که قدیس سیمون استاک<sup>۴</sup> ردای مقدس را شخصاً از دستهای حضرت مریم دریافت نمود). این موضوع هنگامی باعث نگرانی بیشتر می شود که افسانه های صرف یا «اعتقادات خرافی» با این عبارات آغاز می شوند: «سنت این طور می گوید...» یا «بر طبق سنت...». علاوه بر این، ما غالباً از سنت به

۳۴	ب) دیدگاه های الهیاتی مکاشفه و سنت .....
۳۵	سنت فعال: سنت گرایی .....
۳۷	سنت منفعل: محتوا .....
۳۷	کتاب مقدس و سنت .....
۳۹	سنت و سنن .....
۴۰	سنت به مثابه آگاهی کلیسا .....
۴۱	خاتمه .....
۴۲	سوالاتی برای بحث گروهی .....

۲- tradition  
Simon Stock -۴

۱- new ecumenical spirit  
traditions -۳

عنوان گرایش‌ات کلی صحبت می‌کنیم، مانند سنن انسانی یا سنن علمی. کلمه سنت (tradition) از اسم لاتین traditio گرفته شده که به معنی «چیزی است که دست به دست منتقل شده» و همچنین ریشه فعل لاتین tradere نیز هست که به معنی «به دست کسی سپردن» می‌باشد. بنابراین ما با دو جنبه از تفکر حقیقی در مورد سنت روبرو هستیم: ۱) محتوای میراث؛ ۲) روند انتقال سنت، که ارتباط زنده پیکره حقایق و ارزش‌هاست. هنگامی که الهیدانان سعی در تشریح مفهوم سنت دارند، با وجود اینکه الهیات نیز همچون علوم دیگر، درک مشخص و معتبر خود را از مقولات داراست، تعابیر غلط به سرعت ریشه می‌گیرند. با وجود این، درک مفهوم الهیاتی این مقوله چندان هم مشکل نیست که نتوان در مقایسات زیر به آن دست یافت:

### ۱- آرمان بزرگ ملی

تمامی ارزش‌ها و حقایق اصیل و معتبری که در زیر بنای اعتقادی یک ملت دخیل هستند (روحیات، گفته‌ها و اعمال پدران و گذشتگان)، می‌توان آنها را «آرمان بزرگ ملی» نامید. این میراثی است که باید حفظ شود، زنده بماند و به نسل‌های بعد منتقل گردد.

### ۱- مژده نجات

خدا «نقشه نجات» را با دعوت یهودیان-قوم خدا- به برقراری ارتباطی صمیمانه با خود به اجرا گذاشت. روند موفقیت‌آمیز و متوالی میانجیگری خدا و خود آشکارسازی فزاینده و کارهای نجات بخش او در مسیح به انجام رسید. با آمدن مسیح، میراث شکل گرفت و دوره مکاشفه به سر رسید. این

مژده نجات باید زنده نگاه داشته می‌شد و به نسل‌های بعد منتقل می‌گردید.

### ۲- سنت بزرگ ملی

آرمان بزرگ ملی بدل به سنت بزرگ ملی می‌شود. بلافاصله ما شاهد دو جنبه این سنت هستیم: اول، محتوای این میراث و دوم جریان انتقال این سنت، که در واقع به هیچ وجه انتقال پیکره حقایق نیست بلکه انتقال زنده یک آرمان است. یک نسل با زنده نگاه داشتن این آرمان و زندگی کردن با آن، آن را به نسل بعد منتقل می‌سازد. مشاهده این عنصر پویا در این جریان انتقال حائز اهمیت است، زیرا در یک حرکت انتقالی زنده، تفسیری صحیح و معتبر ارائه می‌شود و حتی پیشرفت نیز صورت می‌گیرد. (به هر حال پدران ما نیز انسان بودند و نمی‌توانستند کلیه پیشرفت‌ها و نیازهای آینده را از پیش بدانند و بنابراین در این مسیر «ضمائم» واقعی به این سنن الحاق گردید، از جمله اصلاحاتی در قوانین اساسی. چنین ضمائمی به هیچ وجه در میراث حقیقی مسیحیت نمی‌تواند وجود داشته باشد).

### ۲- سنت بزرگ مسیحی

پیغام نجات مسیح به سنت بزرگ کلیسای مسیح بدل می‌شود که متضمن زنده نگاه داشتن و انتقال نقشه نجات خداست. این پیغام، پیغامی نجات بخش است؛ رویدادی که باید زنده بماند. این پیغام از طریق رسولان و پیکره زنده کلیسای مسیح یعنی بدن اسرارآمیز او انتقال می‌یابد. به این ترتیب این سنت شامل هر دو جنبه، یعنی «محتوای مژده نجات» و «جریان انتقال سنت» یا زنده بودن این انجیل رستگاری می‌شود. در این انتقال

زنده، در عین حال که عاری از ضمائم است، می توان به یقین فضایی برای تفسیر و پیشرفت در نظر گرفت.

### ۳- قانون اساسی

(مقایسه سوم)  
اساس و ماهیت این پیغام در قانون اساسی محفوظ مانده است. در اینجا ما اظهارات اصلی و معتبر و چگونگی تفکر پدران و گذشتگان را که بنیان گذاران این حرکت بودند در دست داریم. این بیانات، ساختار و پیکره «سنت بزرگ ملی» را در مراحل مقدماتی و اولیه آن شکل می دهند و باید به عنوان معیاری مهم محفوظ بمانند تا بتوانیم به کمک آنها اعتقادات و اصول رفتاری خود در زمان حاضر را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۳- عهد جدید

چه چیزی طبیعی تر از آن است که سنت کلیسا را در قالب مکتوبات ببینیم؟ بدون شک روح القدس است که مکاشفه خدا را، هم در طول دوره شکل گیری آن (عهد عتیق) و هم در شکل کامل خود که به ما ارث رسیده (عهد جدید) به نویسندگان این متون الهام نموده است. عهد جدید به عنوان چکیده الهامات در مورد تعالیم اساسی (kerigma) کلیسای نوپا و آموزشهای کاملتر برای آنانی که تعمید یافته اند (didache) به طور کامل حاوی تمامی مکاشفات، حداقل در شکل اصلی و اولیه خود است.

### ۴- سنن فردی

(مقایسه چهارم)  
به این علت که میراث یا آرمان بزرگ از طریق یک سنت زنده در حال

انتقال است، بسیاری از مفاهیم و گرایشات فردی و متنوع آن به سادگی آشکار می شود. هر یک از این گرایشات را می توان یک سنت ویژه نامید، (البته در شکل کوچک آن). نمونه هایی از این سنت را می توان با عناوین زیر بیان کرد: آزادی مطبوعات، آزادی بیان، ادای احترام به سرباز گمنام که سببل همه آنانی است که در راه حفظ آزادی ما جان باختند و مواردی دیگر از این قبیل. به هر صورت به نظر می رسد سنن اعتقادی دیگر از قبیل تفکیک نژادی که بعدها پدیدار شدند، عملاً از پیغام اصلی خود دور و منحرف شدند.

### ۴- سنن فردی

تداوم زنده پیغام مسیح از طریق کلیسا به شکلهای گوناگون ملموس و آشکار است. این امر به ویژه در سنن فردی مربوط به پرستش، آیین نیایش، دعاها و اعتقادنامه های شخصی مشهود است. انعکاس این موضوع در آداب و رسوم قابل احترامی از قبیل سه بار فرو بردن شخص در آب در مراسم تعمید، در دعاها کلیسا برای مردگان و غیره نیز دیده می شود. نمی توان رد پای کلیه این سنن را تا زمان رسولان دنبال کرد (برای نمونه، دعای تسبیح حضرت مریم یا پاشیدن خاکستر). به علاوه، همه این سنن نیز در ارتباط با تعالیم و آموزه های اصلی نیستند (از جمله این که زنها در کلیسا پوششی بر سر داشته باشند یا ضرورت روزه گرفتن قبل از شرکت در مراسم عشاء ربانی). به نظر می رسد که دیگر رسوم و سنن پر قدمت و قدیمی تر در حال اضمحلال است (اجرای آیین عشاء ربانی در حالی که کشیش پشت به جمعیت دارد یا استفاده از زبان لاتین به عنوان زبان آیین نیایش

کلیساها).

این سنن فردی می‌توانند «حاملان» تعالیم یا مفاهیم مکشوف شده باشند. با وجود این همان طور که خواهیم دید در بسیاری شرایط تشخیص این امور بی‌نهایت مشکل به نظر می‌رسد و همین موضوع یکی از نکات بسیار مهم و حساس در «شورای ترنت» بود.

در رابطه با این مسئله اولین وظیفه ما قدردانی و شناخت تاریخی مقوله سنت و سپس بررسی برخی دیدگاه‌های الهیاتی در رابطه با این موضوع است. ما در این نوشتار کوتاه با ارائه نکاتی چند، به ارتباط میان مکاشفه و سنت، سنت و کتاب مقدس و سنت و رسوم خواهیم پرداخت.

بیاید پیش از کندوکاو گذشته‌ها، تعریف زیر را از سنت در ذهن داشته باشیم: سنت تداوم پیغام مسیح در کلیساست که از طریق تعالیم رسولان به ما منتقل شده، تعالیمی که کلام اصلی خدا به طور پیوسته در آنها محفوظ مانده، تازگی خود را حفظ کرده و از طریق زندگی کلیسا بسط و گسترش یافته است.

\* \* \*

## فصل اول - قدردانی و شناخت تاریخی

### سنت در عهد عتیق

در جایی که واقعیت و تفکر یا به میدان می‌گذارند، کلمات، کاربردی ندارند. عهد عتیق بیانگر این واقعیت است که چگونه خدا «در تاریخ انسان مداخله می‌نماید» و قومی را برای خود برمی‌گزیند که قوم بنی اسرائیل می‌باشد. وقایع سرنوشت‌سازی که برای این «قوم تازه خدا» رخ می‌دهد حول موضوعاتی از قبیل «خروج» از مصر، عهد میان یهوه و قوم او در کوه سینا و ورود به سرزمین موعود دور می‌زند. تمامی این مسائل را می‌توان همچون یک «واقعه به هم پیوسته» به حساب آورد.

این همان واقعه بزرگی است که باید در اذهان باقی بماند و مژده‌ای که باید زنده نگاه داشته شود. این واقعیت باید به تمامی نسل‌های آینده منتقل گردد. این انتقال، حرکتی است که هم نوعی تعهد محسوب می‌شود و هم یک شادی (خروج ۱۲: ۲۵-۲۷). بنابراین، سنت صرفاً منتقل ساختن واقعیت نیست بلکه انتقال زنده یک «رویداد» است هنگامی که قومی پست و تحقیر شده، سرافرازانه بدل به «قوم یهوه» می‌شود. مژده این رویداد و مفهوم آن، هم به طور شفاهی و هم نوشتاری، سینه به سینه منتقل می‌شود و در این مسیر با به‌کارگیری تشبیهاتی از قبیل مار و طوفان و گاهی نیز با به تصویر کشیدن خدا همچون شبان یا شوهر، پیام منتقل می‌گردد. این انتقال به ویژه از طریق دعاها و اجرای مراسم پرستشی قوم اسرائیل صورت می‌گرفت.

برای مثال، هر اسرائیلی، خود را بخشی از وقایع سینا می‌دانست، زیرا

این سنت، به خصوص در اجرای مراسم عید فصیح به او منتقل شده بود. جوانترین عضو خانواده درباره مفهوم این مراسم از پدر خود سؤال می کرد. سپس اعمال عجیب خدا در وقایع سینا به یاد آورده می شد و در مسیر جان بخشیدن این وقایع در ذهن، جوان یهودی به جزئی حقیقی از جامعه مذهبی بدل می گردید.

مکاشفه در عهد عتیق، واقعیتی پویا و در حال رشد است. هر چند وقایع سینا، وقایعی محوری بودند اما مسائل دیگری نیز وجود داشتند. یهودیان همانطور که در زمان پیمان اول اعتقاد داشتند، در حال حاضر نیز منتظر تحقق وعده های خدا هستند. در بیابان، اشتیاق آنان به سرزمین موعود و محصولات فراوان آن بود. پس از آن منتظر پادشاهی بوده اند که سنت پیمان را جمع بندی و کامل می کند. آنها در طلب یک امپراتوری عظیم و پر قدرت، با یک پادشاه قهرمان یا مسیح موعود در قالب داود پادشاه هستند. اما مایوس از دستیابی به این آرمان، تأکید خود را در دوره اسارت بر روز خداوند (یهوه) قرار می دهند، (عاموس ۶: ۱۸؛ ۱۰: ۱۱) که در آن روز به شکلی معجزه آسا و اعجاب آور، پادشاهی اسرائیل مجدداً برقرار خواهد شد. مسیح با جلال از آسمان ظاهر خواهد شد تا پاداش و برکات عظیم خود را بر قوم خدا فرو ریزد و آنان را در جلال ساکن سازد.

همان طور که مکاشفه در حال رشد است، سنت زنده ای که این مکاشفه را منتقل می سازد نیز رشد می کند و خود را در اقسام قالبهای سنتی پرستش، رفتار، آیین ها و جشن ها بیان می کند. اما برخی از این مراسم، جلوه های حقیقی آن پیغام مکشوف نیستند بلکه بیشتر جنبه های انسانی دارند تا الهی. این جلوه ها حتی گاهی در جهت انحراف و دور کردن مردم از جریان حقیقی

سنت عمل می کنند. برای مثال می توان به تأکید یهودیان بر آمدن مسیحی با قدرت کاملاً زمینی اشاره کرد یا طرفداری متعصبانه از رعایت سفت و سخت شریعت که به وسیله مدارس تحت نظر ربی ها در آخرین سده های پیش از مسیح اعمال می شد. اینها همان «تقالید اجداد» هستند که پولس پیش از دگرگونی خود نسبت به آنها به غایت غیور بود (غلاطیان ۱: ۱۴). متون و مکتوباتی که در رابطه با رسوم و دستورالعملهای سخت در مراعات سنن در حفاریهای قُمران<sup>۵</sup> کشف شد حاکی از وجود این تعالیم سختگیرانه در انتقال پیام اصلی این پیمان است.

اما آنچه ما بر آن تأکید می ورزیم حضور مکاشفه ای در حال رشد و همین طور سنتی زنده در عهد عتیق است که پیغام خدا را برای نسلهای بعد زنده و تازه نگاه می دارد. بسیاری از جلوه های خاص باقی مانده، از این دسته اند اما بعضی از آنها بسیار ناقص و عمدتاً محصول فرهنگ یا اعتقادات عصر خود هستند. با وجود این خدا در همه حال مراقب است که پیغام الهی او از گزند اضافات و لفافه های انسان ضعیف و ناقص، مصون بماند و به سوی شناخت کامل این پیغام در مسیح در جوشش و غلیان باشد.

### عهد جدید

تاریخ نجات در عهد عتیق امری تصادفی و بدون نقشه نیست. اگرچه این تاریخ در اطراف وقایع سینا متمرکز شده اما با طرح ریزی خدا، در مسیر حرکت به سوی وعده و نتیجه ای در آینده قرار می گیرد. هدف پوشیده عهد عتیق تا زمانی که خداوند این توضیح را نداده بود «گمان مبرید که

آمده ام تا تورات و صحف انبیاء (پیمان قدیمی) را باطل سازم بلکه تا تمام کنم» کاملاً روشن نبود، به خصوص تا هنگامی که در شام آخر «پیمان جدید» را در خون خود بنا نهاد (لوقا ۲۲: ۲۰).

عیسی مسیح اوج کار خدا را در فدا کردن خود برای انسان به نمایش می‌گذارد. خدا پسرش را در جسم انسان می‌فرستد تا خود را آشکار کند و با مرگ و قیام خود انسان را به آشتی با خود بخواند و راه را به سوی پدر به ما نشان دهد. مسیح به راز ملموس و ثمر بخش نقشه قطعی خدا برای نجات بدل می‌شود. در مسیح، ما با خدا، پیغام او و عمل نجات بخش او روبرو می‌شویم. به همین دلیل است که می‌توانیم بگوییم، مسیح مکاشفه خداست، مکاشفه ای که هم شناخت خدا و هم عمل نجات است. مسیح نه تنها آورنده بلکه خود پیغام نجات یا انجیل رستگاری است. به همین دلیل مکاشفه با شخص مسیح پایان می‌پذیرد. چیز دیگری وجود ندارد که خدا آشکار کند. این پیغام از این لحظه بدل به سنت بزرگ و آن میراث بزرگی می‌شود که باید انتقال یابد.

خداوند ما کاملاً بر این موضوع واقف است که انسان باید دارای رسوم و اعمال و رعایت امور حقیقی باشد تا آرمانی را در مسیری زنده نگاه دارد. او نمادهای خوب سنت عهد عتیق را می‌شناسد و می‌پذیرد، نمادهایی همچون جشنها، روزه‌ها، ختنه و غیره. اما در عین حال نمادهای دروغین را نیز به شکلی آشکار رد می‌کند. برای نمونه، هنگامی که فریسیان، شاگردان عیسی را به دلیل رعایت نکردن رسم شستن دستها پیش از غذا یا خوردن خوشه‌های گندم در روز سبت، متهم به شکستن «سنت گذشتگان» (تقلید مشایخ) می‌کنند، عیسی به این فریسیان می‌گوید که شما آنقدر در موضوعات و

جزئیات فرعی گرفتار شده‌اید که حقیقت سنت را مخدوش ساخته‌اید. برای مثال آنها با خودداری از کمک به والدین تهیدست خود و اعلام اینکه پول آنها «نذری» برای خداست عملاً حکم چهارم را شکسته‌اند. آنها چنان در تفکر خود کوته بینانه عمل می‌کردند که گمان می‌بردند شستن وسواس گونه دستها و ظروف می‌تواند جایگزین پاکی درون شود. بنابراین عیسی این طور می‌گوید: «شما به تقلید خویش از حکم خدا چرا تجاوز می‌کنید... و چنین رسوم دیگر به عمل می‌آورید؟» (متی ۱۵: ۹-۱۰؛ مرقس ۷: ۱-۱۳).

برخی مدعی‌اند که عیسی در این آیات به طور کلی هر نوع سنت را محکوم می‌کند، اما این طور نیست. او نه سنت را محکوم می‌کند و نه هیچ رسم و رسومی را، بلکه او به سنت‌هایی می‌تازد که در عوض بیان مفهوم کلام خدا، آن را مخدوش و تحریف می‌کنند. او می‌داند که انسان باید این پیغام را زنده نگاه دارد اما نه به شکلی انتزاعی و مبهم بلکه با کلام، پرستش، رسوم و قواعد روزمره. او ما را نسبت به ظواهر امور که می‌توانند به اصول انسانی خیانت ورزند، آگاه و هشیار می‌سازد. این ظاهر بینی، برخاسته از قانون‌گرایی افراطی، فرصت‌طلبی و حتی خود فریبی مذهبی است.

### سنت از دیدگاه پولس رسول

عیسی مسیح انجیل رستگاری را برای رسولان به میراث گذاشت. از طریق رسولان این پیغام بدل به سنت رسولان در کلیسای اولیه گردید. رسالات پولس رسول منعکس کننده تفکر کلیسا در آن عصر است. نظریه سنت و



رسوم مسیحی کاملاً در عقاید او آشکار و برای او بسیار مهم است. پولس رسول خود را مسئول و قیمی برای حفظ پیکره تعالیم بیان شده توسط رسولان می‌داند، سنتی که همه باید نسبت به آن وفادار باشند، ودیعه یا میراثی مقدس که تمامی واعظان باید آن را در پاکی و خلوص به نسل بعد منتقل سازند. او به رغم صلاحیت و بصیرت عمیق خویش، به قصد گرفتن تأیید در کار خود به ملاقات رسولان دیگر می‌رود تا «مبادا عبث بدوم یا دویده باشم» (غلاطیان ۲:۲). توجه کنید که پولس چگونه مسئله سنت را از دیدگاههای مختلف مطرح می‌کند.

در ابتدا، گاهی به دریافت یا انتقال تمامی پیغام مسیح یعنی تمامی انجیل اشاره می‌کند که همان سنت اصلی در شکل کامل خود است. در غلاطیان ۱:۱۱ می‌خوانیم «...آن را از انسان نیافتم و نیاموختم مگر به کشف عیسی مسیح». او مراقب است آن را همان گونه که هست بدون تغییر منتقل سازد: «...چون کلام خدا را که از ما شنیده بودید یافتید، آن را کلام انسانی نپذیرفتید بلکه چنان که فی الحقیقه است کلام خدا...» (اول تسالونیکیان ۲:۱۳) و نیز در اول قرنتیان ۳:۱۵ می‌خوانیم: «زیرا که اول به شما سپردم آنچه نیز یافتم...» این همان سنت بزرگ و آن پیغام کاملی است که باید به دیگران سپرده شود، همان چیزی که پولس با تأکید بسیار به شاگرد خود می‌گوید: «ای تیموتاوس تو آن امانت را محفوظ دار...» (اول تیموتاوس ۶:۲۰).

ثانیاً، پولس غالباً به رسوم و سنت‌ها در حالت اسم جمع اشاره می‌کند که منظور او در حقیقت آداب و طرق زندگی مسیحی است که باید تعدیل و حفظ شود. به همین دلیل وی قرنتیان را به خاطر حفظ سنت‌هایی که به آنها

سپرده مورد تحسین قرار می‌دهد (اول قرنتیان ۱:۱۱). گاهی اوقات اقتدار خود را در این مورد مستقیماً به مسیح نسبت می‌دهد، برای مثال ممنوعیت طلاق را «حکمی از خداوند» بیان می‌کند (۱-قرن ۷:۱۰) یا اینکه «... خداوند فرمود هر که به انجیل اعلام نماید از انجیل معیشت یابد» (اول قرنتیان ۹:۱۴). در مواقع دیگر پولس خود، مسئولیت را به عهده می‌گیرد، مانند مورد ازدواج (اول قرنتیان ۷:۱۲) یا طرفداری از وضعیت بکارت (اول قرنتیان ۷:۲۵). این سنت‌ها بیان ملموس و واقعی پیغام مسیح هستند (در طول دوران رسولان، کلیسا در حال شکل‌گیری است و تفاسیر رسولان از پیغام مسیح بدل به بخشی از خود پیغام می‌شود تا به عنوان سنت به نسل‌های بعد انتقال یابد).

بعضی از این سنن به عنوان یک قانون یا نظم انضباط دهنده، ارتباط زیادی با خود پیغام ندارند از جمله پوشش زنها (اول قرنتیان ۱۱:۳) و به ویژه قواعد مربوط به رعایت نظم و ترتیب در مراسم عشای ربانی (اول قرنتیان ۱۱:۱۷). چنین جزئیات و قواعدی مطمئناً از طرف رسولان بیان و غالباً در جهت یک زندگی منضبط و منظم ارائه شده است. این مسائل مستقیماً در حوزه مکاشفه قرار نمی‌گیرند اما در عین حال نباید آنها را به عنوان مسائلی که در رسیدن به آگاهی عمیق تر از کلام خدا فاقد ارزش هستند تلقی نمود.

پس به عنوان جمع‌بندی، برای پولس و همین‌طور کلیسای اولیه «سنت» و رسوم جایگاه خود را داشته‌اند. سنت اعلام وفادارانه پیغام مسیحیت است. رسوم حالت‌های مختلف و توضیحی واقعی هستند (بعضی تعالیم ابتدایی یا بعضی اصول انضباطی مقدماتی) که رسولان با استفاده از آنها و

با حفظ اصالت مأموریت خود در اعلام انجیل مسیح، کلیساها را پایه گذاری می کردند، مراسم و دعاها را آغاز می کردند، به خدمت در شعائر مذهبی می پرداختند و دعاها را خاص و چکیده ایمان را تدوین می کردند. دستورات، ممنوعیت ها، آداب و داوری های آنان کاملاً با آرمان زنده انتقال این پیام به طور مستمر در ارتباط بود.

### انتقال اولیه پیغام انجیل

بدیهی است که پیغام انجیل پیش از آن که در قالب مکتوب درآید به شکلی زنده در همه جا موعظه می شد. متون مکتوب عهدجدید در طول دوره ای حدود ۶۰ سال شکل گرفت (از ۴۰ تا ۱۰۰ پس از میلاد) اما حدود سال ۱۵۰ میلادی بود که الهامی بودن این نوشته ها آشکار شد و پس از این بود که به عنوان «کتب مقدس» در کنار عهدعتیق قرار گرفتند. بدون شک نوشته های عهدجدید از ارزش بسیار خاصی برخوردارند زیرا حقیقتاً بیان الهامی کلیسای رسولان هستند که سنت رسولان را در خود نهفته دارند.

هر نوع ایمان و عمل نسلهای اولیه مسیحی در کتابهایی که بعدها نام عهدجدید را به خود گرفتند، حمایت و پشتیبانی می شد. اما معلمان اولیه مسیحی هنگامی که به شهادت رسولان اشاره می کردند این تعالیم را به شکل کتب در اختیار نداشتند، بلکه آنان پیغام مسیح را در تداوم انتقال مژده مسیح می دیدند و بیش از هرچیز به ساختار مشترک حقایق و آموزه هایی که از سوی رسولان داده می شد اشاره می کردند که شکل بیانی خود را در موعظه ها، آداب عبادتی، توصیه ها و روشهای بنیادی اصول زندگی مسیحی باز می یافت. البته پیش از آموزه های رسولان در قالب

عهدجدید، نکات مهم تعالیم اساسی به صورت نقل «سخنان مسیح» بیان می شد. دستوراتعملها و رؤس این تعالیم که کاملاً با پرستشها و تعالیم دینی مسیحیت گره خورده بود به موازات عهدجدید وجود داشت. تمامی اینها با هم، خواه در قالب رسالات و اناجیل رسولان و خواه در شکل زندگی، موعظت و عبادات کلیسا، «قانون تعالیم» کلیسا را پایه گذاری کرد (ر. ک رومیان ۶: ۱۷).

تمامی این مسائل مطمئناً با نظریه سنت که تداوم زنده مکاشفه خداست همخوانی دارند. البته نمی توانیم بگوییم که در این دوره، شهادت رسولان که به صورت زنده در کلیسا حفظ می شد دقیقاً با همین عنوان «سنت» خوانده می شد. قدیس کلمنت<sup>۶</sup> اسقف روم (وفات ۱۰۱ م.) بالحنی استوار از «قانون سنت ما» سخن به میان می آورد و این در حالی است که مقوله سنت به ندرت در این دوره به کار برده می شد (اگرچه فعل *Paradidomai* که به معنی «به شکل سنت درآوردن و دست به دست دادن» است به کرات مورد استفاده قرار می گرفت). قدیس پولیکارپ<sup>۷</sup> (وفات ۱۵۶ م.) از «کلامی که از ابتدا در حال انتقال است» صحبت می کند و قدیس ژوستین شهید<sup>۸</sup> (وفات ۱۶۵ م.) از «واگذاری» پیشگوییهای مربوط به عیسی به امتها توسط رسولان (دفاعیه اول ۴۹: ۵) یا «انتقال» راز قربانی مقدس سخن می گوید (همان مأخذ ۶۶: ۳۰). اما با این همه، این مقوله به اینجا محدود نمی شود. هنوز هیچ مبثی در مورد سنت یا بر جای گذاشتن تعالیمی معتبر یا کلاً تعالیم به جا مانده باز نشده بود.

St. Polycarp -۷

St. Clement of Rome -۶

St. Justin Martyr -۸

## تأثیر سرنوشت ساز ایرنائوس قدیس

قدیس ایرنائوس (وفات ۲۰۲ م.) را اولین الهیدان کلیسا می نامند. یکی از بزرگترین نوشته های آموزه ای او «علیه بدعتها» نام دارد که در آن تمامی تعالیم غلط ایام خود را باطل اعلام می کند. یکی از مخالفان وی گروهی نسبتاً مغرور از مسیحیان متفکر معروف به گنوسی<sup>۱</sup> بودند که خود را بالاتر از مردم عادی می دانستند. از دیدگاه آنان «نجات»، از طریق دانش و معرفت عمیق نسبت به راز مسیح تحقق می پذیرد که به ادعای آنان بوسیله سنت به ارث گذاشته شده مخفی و فرضی رسولان به ایمان آورندگان منتقل می شود.

ایرنائوس این مقوله گنوسی را «سنت رسولان» می نامد و توضیح می دهد که این مقوله چگونه در شکل حقیقی خود متعلق به کل کلیساست نه یک گروه خاص. او از این مقوله برای تشریح پیغام اصلی و تعالیم عمومی و آشکار رسولان استفاده می کند. این شناخت بدون در نظر گرفتن زبان یا توانایی ذهنی می تواند به طور مساوی در اختیار همگان قرار بگیرد. این دانش را چگونه می توان یافت؟ رسولان، آن را به صورت شفاهی به کلیسا منتقل ساختند و کلیسا آن را از نسلی به نسل بعد انتقال داد. کلیسا این میراث را از طریق حیات خود به شکلی زنده حفظ، نگهداری و منتقل نموده است. کسانی که به دنبال آن هستند می توانند آن را در کلیسا بیابند (عیله بدعتها ۳: ۲-۵). این سنت زنده شکل بیانی خود را در آنچه ایرنائوس «قانون ایمان» می خواند می یابد که چکیده ای از مطالب مهم (البته نه کاملاً به عنوان یک معیار سنجش) و شامل نکات کلیدی مکاشفه مسیحی است.

مباحثات او با گنوسی ها موجب شد وی واژه سنت را به شکلی تازه و خصوصاً در مورد تعالیم شفاهی کلیسا جدا از آنچه در کتب مقدس بود به کار گیرد. ایرنائوس به هیچ وجه قصد نداشت ارزش کتب مقدس را ناچیز بشمارد یا ادعا کند که بخشی از مکاشفه الهی از طریق سنت ارائه شده و تماماً در کتب مقدس موجود نیست، اما چون گنوسی ها، کتب مقدس را بر پایه سنت مخفی و ادعایی خود تعبیر و تفسیر می کردند، ایرنائوس خود را وقف انتقال زنده و بی وقفه پیغام اصلی و اولیه نمود. همسانی این سنت شفاهی با مکاشفه اصلی، با توالی پیوسته اسقفان در اسقف نشینهای بزرگی که به دست رسولان پایه گذاری شده بود تضمین گردید. به عبارت دیگر، بهترین معیار برای ارزیابی تعالیم خالص مسیحیان، جوامعی هستند که می توان رد پای رهبران آنان را تا رسولان دنبال کرد. چنانچه دانشی از میراث مسیح و رسولان وجود داشته باشد امروز نیز باید در میان تعالیم مسیحی، زنده و موجود باشد، زیرا کلام الهی، حضوری زنده در کلیسا دارد و این حضور باید در اسقفانی که وظیفه تجسم این سنت را در خود به عهده دارند ملموس و قابل مشاهده باشد. این موضوع به این حقیقت مهم اشاره می کند که سنت تنها انتقال یک آموزه نیست، بلکه حضور پیوسته آن در زندگی و ایمان کلیساست و بیش از هرچیز در زندگی اسقفان.

ضمناً باید توجه داشت که منظور ایرنائوس این نیست که کتب مقدس شکلی ناقص از پیغام مسیحی هستند بلکه معتقد است که این متون باید به عنوان مجموعه ای یکپارچه و در سایه سنت زنده کلیسا خوانده و درک شوند.

### ترتولیان

نویسنده دیگری از دوران اولیه که با آثار خود در موضوع مورد بحث ما به روشننگری پرداخت ترتولیان<sup>۱۰</sup> بود (وفات ۲۲۲م). از نظر او تفاوت عظیمی میان سنت و کتاب مقدس وجود نداشت. او از کل ساختار تعالیم رسولان، خواه شفاهی و خواه مکتوب با عنوان «سنت رسولان» یاد می کرد.

ترتولیان «سنت رسولان» را در شکل اولیه خود، همچون ایمانی که به وسیله رسولان به کلیسا واگذار شده می بیند. با توجه به این که رسولان تعالیم شفاهی خود را به صورت مکتوب در آوردند بنابراین، سنت در درون کتاب مقدس جای داده شد. به همین دلیل کتاب مقدس نیز حامل تمامی مکاشفه الهی است و اعتبار و اقتداری مطلق در آن نهفته است. اما وی زمان زیادی را صرف اثبات این موضوع نمود که کتب مقدس متعلق به کلیسای کاتولیک هستند و بدعتگذاران حق اشاره و ارجاع به آنها را ندارند. البته بدون شک تفسیر صحیح تنها می تواند در جایی صورت گیرد که ایمان و انضباط مسیحی زنده محفوظ مانده باشد، یعنی در کلیسا. کلید حقیقی برای درک کتب مقدس در دست کلیسا و از طریق سنت زنده آن است.

ترتولیان به شیوه های مختلف همان سخنان ایرنائوس را تکرار می کند، اما هنگامی که به بسط مفهوم «سنت» می پردازد توضیحی دیگر برگفته های ایرنائوس می افزاید تا آنچه را طی نسلها در کلیسا به صورت رسوم درآمده بود نیز تحت پوشش آورد؛ اعمالی از قبیل: سه بار فرورفتن در آب و سه بار انکار کردن شیطان در زمان تعمید، پذیرش قربانی مقدس در صبح زود و نشان صلیب. اینها «رسومی» هستند که برای بیان خاص حالتی از

زندگی مسیحی به کار می روند و احتمالاً با سنتی که از آن به عنوان کلیت پیغام زنده در حال انتقال یاد شد در ارتباط اند. به این ترتیب ما تصویری مشخص و غیر قابل تغییر برای درک «سنت» در دست داریم. اگر شخصی بکوشد که تنها بر پایه قدمت پذیرش یا وجود یک آیین، اصیل بودن یا تعلق آن را به رسولان اثبات کند، جنبه «زنده بودن» سنت را مبهم خواهد ساخت!

### توسل به آیین نیایش و دیگر وسایل ارتباط

در طول زمان منابع دیگری (در کنار کتاب «قانون ایمان» از ایرنائوس و کتاب «قاعده ایمان» از ترتولیان) نیز به عنوان ذخائر میراث زنده تعلیمی کلیسا شناخته شده اند. احتمالاً مهمترین آنها آیین نیایش یا زندگی پرستشی کلیساست. مجموعه موعظه های معروف قدیس هیپولیتوس<sup>۱۱</sup> با عنوان «سنت رسولان» (منعکس کننده مناسک و مراسم مذهبی حدود سالهای ۱۵۰م.) و قبل از آن، دیداکه<sup>۱۲</sup> یا «تعالیم خداوند به دوازده رسول» (احتمالاً بین سالهای ۵۰ تا ۷۰م.) اشاره به این مطلب دارند که آیین نیایش و تعالیمی که زندگی پرستشی کلیسا را شکل می داد، به ویژه خدمات مربوط به تعمید و قربانی مقدس، از رسولان بر جای مانده و بنابراین، بازگو کننده شهادت آنان است.

مظهر دیگر سنت و مکاشفه الهی، اعتقاد نامه ها و به ویژه سؤال و جواب های کوتاهی است که همچون خلاصه ایمان در مراسم تعمید انجام

۱۰-St.Hippolytus

۱۱-Didache

می‌گیرد. «اعتقادنامه رسولان» که به عنوان بازمانده اعتقاد رسولان مسیح محترم شمرده می‌شود و نیز اعتقاد نامه‌های بزرگ شورای نیقیه (۳۲۵) و شورای قسطنطنیه (۳۸۱) کانال‌های معتبری از مکاشفه مسیح بشمار می‌آیند، اما می‌توان برخلاف ایرنائوس که ردپای تعالیم و آموزه‌ها را تا شوراهای باستان پی می‌گرفت، به سادگی به این اعتقادنامه‌ها یا مراسم آیین نیایشی یا آیین‌های سنتی به عنوان قالب‌های عینی و ملموسی که حاملان پیغام مسیحیت هستند رجوع نمود. این سنن فردی، به منزله تضمین صریح مکاشفه خداوند است. به این ترتیب مراجعه به شهادت پدران روحانی ارتدکس کلیسا نیز بدل به امر پیش پا افتاده‌ای می‌شود (برای مثال احترام بیش از حد به اسقفان و نویسندگانی که در آن ایام مظهر سنت زنده کلیسا بودند). در آن دوران شخص می‌توانست همچون کتاب مقدس به آنان استناد کند زیرا آنان در نظر ایمان‌داران بیان‌کننده سنت خالص رسولان بودند. به همین دلیل قدیس وینسنت اهل لرینز<sup>۱۲</sup> (وفات ۴۳۴ م.) اعلام می‌کند که دیدگاه کلیسای جهانی و جهان کاتولیک «آن چیزی است که در همه جا و همیشه و به وسیله همه مورد قبول و پذیرش باشد.»

کتاب مقدس در طول قرن‌های اولیه کلیسا، به عنوان معیار و قاعده غیر قابل تغییر تعالیم رسمی، محفوظ مانده‌اند. در هر نوع اختلاف نظر و تفسیر تعالیم به کتاب مقدس مراجعه می‌شد. در عین حال تمام پدران روحانی، لزوم کلیسای تحت حمایت روح القدس را به عنوان کلید اصلی برای راهیابی به کتاب مقدس تأکید می‌نمودند. قدیس آتاناسیوس<sup>۱۳</sup> (وفات ۳۷۳ م.) معتقد بود که اگر بدعتگذاران پیرو آریوس<sup>۱۴</sup> به مفهوم آن مکاشفه‌ای که به

شکل بسیار خاص و به طور سنتی به کلیسا رسیده است وفادار می‌ماندند هرگز گمراه نمی‌شدند (مباحثی علیه پیروان آریوس ۳: ۵۸). سنت، تداوم زنده کلام مکشوف خدا در کلیساست که عمیقاً در تمامی ابعاد و اعضای حیات آن جای گرفته است.

### یگانگی عمیق میان کلیسا، کتاب مقدس و سنت

موضوع مرجعیت کلیسا یا کتاب مقدس یا سنت، تا قرن سیزدهم به ذهن مردم خطور نکرده بود. کتاب مقدس همیشه به عنوان عالی‌ترین مرجعی که تمامی حقایق لازم برای نجات را در خود دارد محسوب شده و خواهد شد. کلیسا محیط و جامعه‌ای است که کتاب مقدس را بوجود آورده و این دو تفکیک ناپذیرند: به این ترتیب که کلیسا مفهوم حقیقی کتب را از طریق سنت زنده خود تضمین می‌کند و کتاب مقدس نیز از طرف دیگر تنها نقطه اتکای الهامی و پراهمیتی است که تمامی حقایق مسیحی با آن سنجیده می‌شوند. در حقیقت کلیسا، سنت و کتاب مقدس چنان در هم تنیده شده‌اند که نویسندگان مسیحی، حتی تا قرن ۱۳ میلادی فاقد درک فاصله مشخص میان کتب الهامی و تفاسیر پدران کلیسا و اعتقاد نامه‌های شوراها و پایها بودند.

### تمایل به جدا نمودن این عناصر آغاز می‌شود

قرون ۱۴ و ۱۵ دوران انتقادات کوچک الهیاتی و ظهور تمایزات بسیار میان کتاب مقدس و کلیسا بود. این وضعیت سرانجام منجر به پذیرش کلیسا

به عنوان مرجع برتر و حاکم و از طرفی توجه به کتب مقدس و سنت به عنوان دو منبع کم و بیش متمایز مکاشفه الهی گردید.

این تغییر ناگهانی چگونه به وقوع پیوست؟ البته این دوران، دورانی پرجوش و خروش بود. برای نمونه الهیات مربوط به رازها در این دوره به سرعت پیشرفت می‌کرد و اینگونه به نظر می‌رسد که بر منابع دیگری غیر از کتاب مقدس نیز استناد می‌شد. آیا این احتمال وجود دارد که بخشهای معینی از مکاشفه الهی از زمان مسیح تماماً به صورت شفاهی منتقل شده باشند؟ دلائل و اهمیت انجام اعمالی از قبیل بخشش گناهان، احترام به آثار و بقایای مقدسین و افزودن به رازهای مقدس چیست؟ چرا باید آنچه احتمالاً عملی منسوب به رسولان است به دو شیوه انجام شود؟ آیا احتمال وجود مکاشفه ای الهی در دوران بعد از رسولان نیز هست؟ آیا سنت و آیین‌ها می‌توانستند در زمان دیگری پس از رسولان شکل گیرند و در عین حال حالت معتبر آن مکاشفه اصلی و اولیه را داشته باشند؟ داوری نهایی در مورد مسئله کتاب مقدس یا کلیسا چه خواهد بود؟ چه کسی میان سنن و آیینهای مشروع و منسوب به رسولان و انحرافات آشکارا تباه کننده پیغام انجیل قضاوت خواهد کرد؟ این وضعیت قطعاً نیاز به روشنگری و توضیح دارد.

راه حل لوتر طبقه بندی تمامی سنن (حتی عشای ربانی) در زمره اعمال بشری و در نتیجه فاقد اعتبار الهی است. او در اثر خود به نام «فقط کتاب مقدس» (Scriptura sola) می‌گوید: کتاب مقدس تنها منبعی است که به وسیله آن مکاشفه الهی به ما رسیده است. اکنون کلیسا باید در این مورد اقدام نماید.

### طبقه بندیهای شورای ترنت

شورای ترنت (۱۵۴۵-۶۳) قبل از هر چیز دریافت که باید میان مکاشفه الهی و سنت‌های انسانی تمایز قائل شد. ارتباط این «سنن» با پیغام رسولان چه بود؟ مسلماً تمامی این سنت‌ها را نمی‌توان محکوم نمود. تاریخ بعضی از این آداب و رسوم، مطمئناً به زمان رسولان و حتی خود مسیح می‌رسد. بعضی دیگر منشأ انسانی یا کلیسایی دارند و اگر چه پسندیده نیز باشند (البته نه همه آنها) هرگز نمی‌توانند از همان اعتبار کلام خدا برخوردار باشند.

در این صورت کجا می‌توان کاملیت پیغام مکاشفه را در شکل خالص خود یافت؟ شورای ترنت در ۸ آوریل ۱۵۴۶ این طور اعلام کرد:

«این حقیقت و تعلیمی که در کتاب مقدس و نیز در سنن شفاهی (خارج از کتاب مقدس) به جا مانده، از سوی رسولانی است که آنها را از مسیح دریافت کرده‌اند و آنها را تحت الهام روح القدس سینه به سینه منتقل ساخته به دست ما سپرده‌اند... این شورا با حس وفاداری و حرمتی که نسبت به کتاب مقدس دارد، سننی را که در حوزه ایمان و اخلاقیات قرار دارند همچون سنتی شفاهی از سوی مسیح یا الهام روح القدس پذیرفته و محترم می‌شمارد و پیوسته در کلیسای کاتولیک حفظ خواهد نمود.»

اولین نسخه این اعلامیه در ۲۲ مارس این طور اظهار می‌کرد که «بخشی از مکاشفه در کتاب مقدس و بخشی دیگر در سنن نوشته نشده» منسوب به رسولان نهفته است. این مطلب اشاره به این موضوع دارد که این دو مکمل یکدیگر و در عین حال منابعی جداگانه هستند و تأکید می‌کند که بعضی سنن شفاهی در کتاب مقدس آورده نشده‌اند. در همین زمان اقلیتی کوچک

اما پر سر و صدا از اسقفان به شدت با این امر به مخالفت برخاست. یکی از آنان آشکارا گفت که تمامی آن مکاشفه‌ای که برای نجات ضروری است در کتاب مقدس وجود دارد و «سنت» ذاتاً تفسیر معتبر کتاب مقدس است و به هیچ وجه مکمل آن نیست.

ناگهان به صورتی غیرمنتظره، در نسخه نهایی این اعلامیه، کلمات «بخشی - بخشی» جای خود را به حرف ربط «و» دادند. امروزه الهیدانان بیش از هر زمان دیگری به بحث و جدل پیرامون اهمیت این تغییر ناگهانی می‌پردازند. محافظه‌کاران به طور مشخص در طرح ارائه شده در دومین شورای واتیکان<sup>۱۵</sup> این طور اعلام کردند که این تغییر بدون تبادل نظر صورت گرفته و در حقیقت حذف این قسمت که «بخشی» از مکاشفه در کتاب مقدس و «بخشی» دیگر در سنت ارائه شده، تنها به این دلیل بود که اندکی از شکل اعتراض برانگیز آن کاهش یابد. با این حال گروهی دیگر با این مسئله که مکاشفه الهی شامل کتاب مقدس «و» سنت رسولان است موافقت داشتند. نویسندگان میانه روتر - احتمالاً با توجیه کمتری - عقیده داشتند که شورا، این دو دیدگاه را تعمداً بی‌پاسخ گذاشت. تأکید بر این موضوع که کتاب مقدس تنها منبع ممکن برای مکاشفه الهی نیست مستقیماً به معنای عدم پذیرش «فقط کتاب مقدس» متعلق به پروتستانها بود.

این شورا در بیانیه خود مستمراً از کلمه «سنت‌ها» به جای شکل مفرد آن «سنت» استفاده می‌کرد. در ذهن اسقفان، سنت‌های رسولان مواردی خاص بودند که باید به این فهرست افزوده می‌شد. اگر منشأ این سنت‌ها، رسولان بودند، پس همانند کتاب مقدس به نوعی «حامل» مکاشفه‌ای الهی هستند.

این سنت‌های منتسب به رسولان کدامها هستند؟ به طور کلی، این سنت‌ها شامل فرمول‌های شفاهی موعظه‌های اولیه مسیحیت، تصمیمات رسولان (مثل شورای اورشلیم)، تفاسیر، رسوم و آیینهای عبادتی هستند. این شورا از ارائه هرگونه فهرستی در این مورد خودداری نمود اما می‌توانیم برای نمونه به بعضی از آنها اشاره کنیم از قبیل اجرای دقیق رازهای هفتگانه، تعمید نوزادان، اشاره به برزخ هنگام دعا برای مردگان، استفاده از آب در شراب عشای ربانی و این سنت که «جماعت مسیحی» مفسر کتاب مقدس است.

پدران مقدس در این شورا کاملاً بر این امر واقف بودند که برخی از این سنت‌ها بیش از حد انسانی هستند و برخی نیز به اصلاح نیاز دارند. به همین دلیل مسئله را به این شکل روشن کردند که تنها آن سنت‌هایی می‌توانند ابراز مکاشفه الهی باشند که: ۱- منشأ رسولی داشته باشند؛ ۲- از ابتدا در کلیسا حفظ و اعمال شده‌اند؛ ۳- در ارتباط با ایمان و اخلاقیات هستند. شورای ترنت معتقد است که این سنت‌ها شایسته پذیرش و حرمتی برابر با کتاب مقدس هستند. (از آنجا که شورا به جای کلمه *morals* (اخلاقیات) کلمه *mores* را به کار برده بود بعضی تصور می‌کنند که این موضوع به مفهوم پذیرفتن آداب عبادتی و سنت‌های انضباطی به مثابه و حاملان مکاشفه الهی است که به عنوان مثال می‌توان به استفاده از آب در شراب عشای ربانی اشاره کرد).

پس از دوره اصلاحات، رسالات دفاعی ضد پروتستان بر الهیات سایه افکنده بود. چون پروتستانها بر کتاب مقدس همچون تنها منبع مکاشفه تأکید می‌ورزیدند، کاتولیک‌ها نیز با پافشاری بر وجود دو منبع جداگانه،

یعنی کتاب مقدس و سنت در برابر آنان واکنش نشان دادند. اگرچه شورای ترنت تعریفی از لغت «سنت» ارائه نداده بود (البته در شکل مفرد آن) با وجود این الهیدانان به سادگی آن را به مفهوم کلیه سنن منسوب به رسولان یا حداقل کلیت آن مکاشفه ای که به شکل غیر کتاب مقدسی به دست ما رسیده پذیرفتند. در اینجا نکته ای بسیار مهم ظاهر می شود، زیرا همان طور که خواهیم دید امروزه «سنت» در مفهومی وسیع تر و بزرگتر بررسی و درک می شود، مفهومی که بیشتر در مسیر کاربرد کهن آن است!

### کتاب مقدس و سنت به منزله دو منبع مکاشفه

گرایش دوران پس از شورای ترنت به تفکیک کتاب مقدس و سنت به عنوان دو منبع جداگانه و مشخص، ما را به طور خاص به «کتاب تعلیمات دینی» اثر معروف پیتر کانسیوس<sup>۱۶</sup> که به شکل گسترده ای مورد استفاده قرار می گرفت رهنمون می سازد. کانسیوس به همراه الهیدانان برجسته ای چون ملکیور کانو<sup>۱۷</sup> و رابرت بلارمین<sup>۱۸</sup> مشتاقانه از نظریه «بخشی از متون و بخشی از سنت» حمایت می کردند. متأسفانه تا امروز نیز همین «نظریه دو بخشی» در باب مکاشفه الهی، کماکان بر درک جامعه کاتولیک از این مسئله سایه افکننده است.

در اواسط قرن نوزده، کاردینال فرانزلین<sup>۱۹</sup> موفق به ارائه مفهوم کاملاً رساتری از «سنت» گردید. او دیدگاه خود را نه تنها با محتوا بخشیدن و بیان حقایق (حقایقی معروف به مکاشفه - سنت ذهنی یا عینی، که به

<sup>۱۶</sup> Peter Canisius  
<sup>۱۷</sup> Robert Bellarmine

<sup>۱۸</sup> Melchior Cano  
<sup>۱۹</sup> Franzelin

مفهومی گسترده، تمامی حقایق منتقل شده از کلیسای اولیه و به مفهومی محدودتر، حقایق غیر مکتوب را شامل می شد)، بلکه از همه مهمتر با اشاره به عملی که از طریق آن این مکاشفه الهی در درون کلیسا در حال انتقال بود وسعت بخشید. به عبارت دیگر، اکنون ما به نظریه «سنت زنده» به مثابه تداوم و انتقال پیغام مسیح دست یافته ایم. این سنت فعال بعدها نزد الهیدانان با نفوذی همچون بیلوت<sup>۲۰</sup> و باینول<sup>۲۱</sup> با فعالیتهای تعلیماتی اسقفان در اتحاد با پاپ مشخص می شد که همان «تعلیم کلیسا»<sup>۲۲</sup> است. اگر رسولان تحت نظارت پطرس می توانستند پیغام مسیح را در قرن اول شکل گیری کلیسا نگهداری و تفسیر کنند، پس اسقفان تابع پاپ نیز می توانند در تمام اعصار زندگی کلیسا، چنین عمل نمایند. به این ترتیب «سنت فعال»، تبدیل به فعالیتهای تعلیمی کلیسا می شود. با پذیرش این دیدگاه سرانجام پاسخ این پرسش که مکاشفه را کجا می توان یافت این خواهد بود که مکاشفه الهی بطور کامل در سنت (تعالیم رسمی) و بخشی در کتاب مقدس است. بنابراین عبارت «بخشی در کتب مقدس - بخشی در سنت» به «تماماً در سنت - بخشی در کتب مقدس» بدل گردید.

### دیدگاههای معاصر پیرامون سنت

در سالهای اخیر، الهیدانان سنت را از دیدگاهی به مراتب غنی تر و جالب تر بررسی می کنند. آنان به نکات مهمی پیرامون تأیید نظریه کاردینال فرانزلین دست یافته اند. اکنون سنت به عنوان تداوم تعالیم رسولان در

<sup>۲۱</sup> Bainvel

<sup>۲۰</sup> Billot  
<sup>۲۲</sup> Magisterium



درون کلیسا تعریف می شود که در آن کلام اولیه و اصلی خدا به طور مستمر به وسیله کل کلیسا و از طریق تمامیت حیات آن حفظ، نگهداری و ارائه شده است.

ابتدای این برداشت از سنت در دوران معاصر عملاً به فعالیت‌های جان آدام مولر<sup>۲۳</sup> آلمانی و جان هنری نیومن<sup>۲۴</sup> انگلیسی، در اواسط قرن نوزدهم باز می گردد. مولر به دفاعیات قدیمی متوسل نشد، بلکه کلیسا را به عنوان «بدن روحانی مسیح» در غایت زیبایی خود معرفی نمود. او نشان داد که کلیسا یک بدن زنده، سازمان یافته و سرشار از حیات و پویایی است که پیغام اصلی مسیح را در حیات درونی و فعالیت‌های خود محفوظ نگاه داشته است. او بر نقش هر عضو و نیز اهمیت روح القدس در این بدن تأکید می ورزد.

اگر مولر حفظ و تداوم این پیغام را با حیات بدنی مقایسه می کند، نیومن آن را به یک حیات ذی هوش تشبیه می کند. ایده های بزرگی همچون دموکراسی و آزادی به وسیله عقل و به شیوه ای سرشار و «زنده» به بقای خود ادامه داده اند. این ایده ها در طی نسلها بدون خدشه و انحراف و در عین حال در رشدی حقیقی به جای مانده اند. این موضوع در مورد تعالیم مسیحی نیز که رسولان به طریق سرشار و «زنده» از شخص مسیح به ارث گذاشته اند صادق است. این پیغام با حفظ محتوا و شکل اصلی خود به بقای خود ادامه داده، گسترش یافته و از طریق رسولان و بیداری کامل کلیسا به ما رسیده است. به این ترتیب با الهام از مولر و نیومن، الهیدانان معاصر نیز سنت را تداوم پیغام مسیحیت در تمامیت حیات بدن روحانی

مسیح می دانند، یا آن تفکری که در آگاهی جمعی مسیحیان محفوظ مانده و بی شک این آگاهی، مشخصه اصلی آن است.

\* \* \*

می بینیم به این موضوع پی می بریم که چرا مکاشفه عمومی باید یک بار و برای همیشه در مسیح کامل شده باشد.

این پیغام که به کلیسا سپرده شده است غالباً «ودیعہ ایمان» نامیده می شود. هر چیزی که از پیش در این پیغام وجود نداشته، طبعاً نمی تواند بخشی از ایمان مسیحی محسوب شود. اما به هر صورت کلیسا بخشی از آن را به شکل امور بدیهی و بخشی را همچون تجربه ای زنده و مانند یک «مطلق زنده» دریافت کرده است. به این ترتیب پیغام مسیح در تفکر، حیات و پرستش کلیسایی که از روح القدس جان می گیرد و بدن روحانی مسیح است تداوم می یابد. بنابراین اگر مکاشفه پیغامی است که در مسیح و از طریق مسیح «داده شده»، سنت نیز همان پیغام است که در مسیح رازگونه و از طریق مسیح رازگونه یعنی کلیسا «تداوم یافته» است.

### سنت فعال - سنت گرایی

این سنت در مفهوم کامل خود - همچون مکاشفه مسیح - شامل فعالیت و محتواسست. این فعالیت (سنت فعال) کلیه ابزارهایی را که تعالیم رسولان به وسیله آنها حفظ شده، ادامه یافته و تفسیر شده شامل می شود و در برگیرنده کل حیات بدن اسرارآمیز مسیح و بنابراین با حیات هر یک از اعضای این بدن سروکار دارد. پیغام مسیح از طریق زندگی کلیسا زنده می ماند، این پیغام چیزی نیست که در یک گاو صندوق و در یک وضعیت ساکن و ایستا نگهداری شود، بلکه واقعیتی زنده، پویا و سرشار در «درون» زندگی کلیساست.

بی معنی است اگر فکر کنیم که انسان به تنهایی قادر به حفظ پیغام الهی

## فصل دوم - دیدگاههای الهیاتی

### مکاشفه و سنت

خدا اراده کرد خود را بر انسان آشکار سازد و با او ارتباطی صمیمانه و شخصی برقرار نماید. این مکاشفه و نقشه نجات با موسی و انبیای دیگر آغاز شد اما تنها در مسیح به کمال خود رسید. او کلمه مجسم خدا و مظهر تمامی آن چیزی است که خدا می خواهد ما در باره او بدانیم. بنابراین، مکاشفه پیغام کامل خداست، آن گونه که در مسیح و از طریق مسیح داده شده است. حتی می توانیم این طور بگوییم که مسیح همان مکاشفه الهی است زیرا او نه تنها با کلام خود بلکه با هر عمل و رفتار خود این مکاشفه را منتقل می ساخت. هر نکته ای در مورد او، ادراک رسولان را در مورد پیغام نجات تحت تأثیر قرار می داد.

اکنون این پیغام نجات بخش، متعلق به همه انسانها در همه دورانهاست. مسیح کلیسا را برای تداوم بخشیدن به این پیغام پایه گذاری کرد و رسولان سنگهای زیرین و بنیادی این کلیسا هستند. آنها مسیح و پیغام او را «تجربه» و زندگی کردند. آنها به عنوان رسولان مورد علاقه و برگزیده مسیح، بدون شک کمکهایی را همراه با آگاهی و تعمقی که برای هیچ شخص دیگری قابل دسترسی و ادراک نیست دریافت می کردند تا بتوانند کمال و پری این پیغام را مشاهده نمایند. البته این بیان بدان مفهوم نیست که ذهن آنان با دانشی از پیش معین و فرمولهای جزمی انباشته شده بود. آنچه آنان به کلیسا ارائه می دادند، کلیت پیغام در قالب «تجربه زنده» مسیح و تعالیم او بود. هنگامی که ما خداوند خود را به عنوان تجسم کلام خدا برای انسان

از هرگونه گزند است، اما مسیحیان بیش از انسانهای معمولی هستند. آنها اعضای بدن اسرارآمیز مسیح هستند و حیات روحانی و فوق طبیعی آنان از سوی مسیح که سر این بدن است جاری می شود. اصل حیات بخش در این حقیقت، روح القدس یعنی روح راستی است.

بنابراین هیچ یک از اعضای این بدن نمی تواند کاملاً منفعل و بی اثر باشد. همه، حتی گناهکاران، در تداوم بخشیدن به این پیغام نقشی حقیقی دارند. چرا؟ به این دلیل که هر یک از اعضا بخشی از زندگی و آگاهی کلیسا هستند. کلیسایی که کاملاً در ایمان است، حیات و بیان مکاشفه الهی را بخصوص با پرستش و آیین نیایش تحت تأثیر قرار می دهد.

البته ما نباید در مورد نقش تعالیم رسمی کلیسا افراط کنیم. خداوند ما تنها به رسولان تحت نظارت پطرس و نیز جانشینان آنان تحت نظارت پاپ وعده مصونیت از خطا را داد. تنها آنان هستند که بی هیچ اشتباه و خطایی می توانند اعلام کنند این یا آن تعبیر و تفسیر از پیغام الهی موثق و معتبر است. به عبارت دیگر، تنها مقامات رسمی کلیسا به عنوان زبان رسمی کلیسا می توانند دریافت و آگاهی حقیقی از پیغام مسیح را تعریف نمایند. در عین حال ما نمی توانیم اصل «مصونیت از خطای» منفعل کل کلیسا را نادیده بگیریم، به این معنی که هر یک از تعاریف قطعی و جزمی این تعالیم ممکن است با اعتقاد و اتفاق آراء عمومی ایمانداران در هر دوره زمانی در تضاد باشد. (البته مطمئناً این روح القدس است که جلوه معتبر و موثق پیغام رسولان را زنده نگاه داشته است، در حالی که جلوه های ناموثق و بی اعتبار محکوم به مرگ و نابودی خواهند شد).

### سنت منفعل: محتوا

اکنون نگاهی به محتوای این پیغام (سنت منفعل) بیاندازیم. این تمامی آن «ودیعہ ایمان» است که از رسولان برای کلیسا به جای مانده است. این همان محتوای آگاهی کلیسا از مسیح و پیغام اوست. اما لزومی ندارد (و نباید) تصور کنیم که این موضوع به شکلی روشن و مشخص بیان شده است. بسیار پر معنا تر است که این «ودیعہ ایمان» را تجربه زنده و کامل مسیح و تعالیم او بدانیم. برای نمونه، تجربه عاشق شدن، تجربه ای واقعی، عمیق و زنده است. در ابتدا این احساس معمولاً بی نظم و قاعده است اما در عین حال آگاهانه و پر معنا نیز هست. پویایی این تجربه، نه تنها شخص را به سوی پروراندن و حفظ این احساس سوق می دهد، بلکه در جهت نظم دادن و مفهوم بخشیدن به آن نیز عمل می کند. این امر در مورد تجربه مسیحی نیز صدق می کند.

با وجود این، حتی در کلیسای اولیه نیز، پیغام مسیح مورد بحث قرار می گرفت، تنظیم می شد و به طریقه های ملموس تری ارائه می گردید، اما این کار همیشه در حیطه کلیسا انجام می گرفت.

### کتاب مقدس و سنت

عهد جدید حامل بیان الهامی و مکتوب تجربه جماعت اولیه مسیحی از مسیح است. این مکتوبات که در آغوش کلیسا و توسط اعضای جامعه مسیحی تدوین شد به تدریج به عنوان متونی بی نظیر و الهامی شناخته شد. این متون باید به مثابه تنها روایت الهی مکاشفه خدای زنده نگاه داشته شود. سؤالی که امروزه غالباً پرسیده می شود این است که آیا کل پیغام و تمامی

این مکاشفه محدود به کتاب مقدس است؟ تا این اواخر کاتولیک‌ها به این سؤال پاسخ منفی می‌دادند و توضیحشان نیز این بود که عهدجدید مجموعه‌ای در هم از نوشته‌های پراکنده رسولان و شاگردان است و این که خداوند به رسولان فرمان داد تا بروند و موعظه کنند نه اینکه بنویسند. اما اکنون اقلیتی معترض و در حال رشد از الهیدانان غیر متعصب کاتولیک بر خلاف این تفکر برخاسته‌اند. آنها این طور می‌گویند که تمامی مکاشفه مختص به کتاب مقدس است به این معنی که در پایان دوران رسولان جوهر پیغام مسیحی، مسیر حرکت خود را در بیان الهامی و مکتوب بشارت\* و تعلیم دینی باز یافته است. چنانچه کتاب مقدس با توجه به شرایط و روحیاتی که هنگام نوشتن آن بر این متون حاکم بوده (یعنی در کلیسا و توسط کلیسا) خوانده شود پیغام صریح آن آشکار می‌شود. به این ترتیب با پذیرش سنت به منزله بافت زنده پیغام کتاب مقدس، این الهیدانان مشکلی در بیان این نظریه که «سنت» اساساً مفسر کتاب مقدس است نمی‌بینند.

اگرچه این سخن قابل توجه است، اما شاید پذیرش آن به این سرعت به عنوان یک حکم ثابت و غایی درست نباشد. هیچ کدام از تعاریف مشخص و قطعی شورای ترنت قابل مقایسه با این دیدگاه نیست، اما گفتن این که شورا نیز از این دیدگاه حمایت می‌کند، نوعی لوث کردن مطلب است. به علاوه پرسشهای غامض و بی‌پاسخی نیز در رابطه با این دیدگاه وجود دارند از جمله این پرسش بخصوص که چگونه کتاب مقدس می‌تواند در عین مکاشفه بودن، حاوی تعالیم الهامی و شرعی خود نیز باشد.

### سنت و سنن

شکلهای دیگری از بیان «لموس» پیغام انجیل در سنت رسولان مشاهده می‌شود. اینها طریقه‌های خاص زندگی و پرستش هستند که بیانگر مکاشفه مسیح بوده و از طریق رسولان به کلیسا رسیده‌اند. سخنان و فرمولهای شفاهی منسوب به رسولان بی‌تردید باید به این مکاشفه افزوده شود (البته اگر تا به امروز باقی مانده باشند). اگر وضعیت چنین باشد، پس تمامی مکاشفه را می‌توان در سنت رسولان نیز یافت. در حقیقت، بعضی از این سخنان می‌توانند به مکتوبات غیر کتاب مقدسی ضمیمه شوند، اما مراجعه و استناد به روایات سراسر شفاهی بخشهایی از این مکاشفه در طول قرون کمی ساده لوحانه به نظر می‌رسد، به عنوان مثال، برای توضیح در مورد اعتقاد به صعود<sup>۲۲</sup> حضرت مریم به آسمان که در قرن چهارم آغاز شد بهتر آن است که بر آنچه کلیسا به طور مطلق و مشخص درباره ارتباط مریم با عیسی درک نموده تکیه کرد تا استناد به نوعی روایات نامعلوم و ثبت نشده از این واقعیت.

سنت در مفهوم کامل خود تداوم تعالیم رسولان در کلیساست. با توجه به این تعریف، سنت نه تنها شامل آنچه در کتاب مقدس آمده می‌شود بلکه شامل توضیح و تفسیر آن نیز هست. در عین حال سنت را می‌توان به شیوه‌ای متمم‌تر به عنوان آگاهی همه جانبه کلام آشکار شده خدا که بوسیله مسیح و از طریق رسولان به جا مانده است تعریف کرد.

### سنت به مثابه آگاهی کلیسا

کلیسا در همه حال این آگاهی یا بیداری را در خود داشته است. این آگاهی از همان ابتدا، ستایش کامل یا جهانی و یک تجربه بود. این پیغام نجات شبیه آن آرمان حیاتی است که نیومن از آن سخن می‌راند یعنی آن آرمانی که از سوی کل بدن اسرارآمیز مسیح درک می‌شود. این تفکر نیز باید همانند هر آرمان بزرگ دیگری زنده بماند، رشد کند و توسعه یابد. این رشد به دلیل هدایت الهی روح القدس همیشه مشروع و در هماهنگی با تفکر اولیه خواهد بود.

این جنبه از سنت به عنوان آگاهی کلیسا فواید بسیاری در خود دارد. پیش از هر چیز، این دیدگاه دلالت بر این دارد که سنت در هر حال امری زنده است. سنت به معنای نگاه کردن به گذشته و حفظ حقایق در قالبی تحجری نیست بلکه توجه به درون و محتواست. ثانیاً، نظریه آگاهی اشاره به این دارد که چگونه هر یک از اعضای این بدن اسرارآمیز می‌توانند نقش خود را در حفظ و تداوم، انتقال و زنده نگاه داشتن پیغام مسیح ایفا کنند، زیرا همه ایمانداران بخشی از این آگاهی یکپارچه کلیسا هستند. ثالثاً پذیرش سنت از این دیدگاه اجازه می‌دهد که همه چیز به شکلی کاملاً واقعی و گاهی فارغ از قواعد (مثل تجربه عمیق و غنی شادمانی) در آگاهی ما ظاهر شود و در عین حال این اجازه را نیز می‌دهد که با توجه به پویایی درونی مسیحیت که نیروی محرکه آن محبت است، همیشه و در همه حال در تلاش دستیابی به شیوه‌های بیانی روشن‌تری باشد.

### خاتمه

زمینه‌های مطالعه پیرامون این موضوع بسیارند اما امروزه الهیدانان کاتولیک در رابطه با سنت در موارد زیر تفاهم دارند:

۱- سنت تداوم کلام رسولان است؛ ۲- عملکردی است که در درون و به وسیله کلیسای وفادار به پیغام انجیل پرورش می‌یابد؛ ۳- کل حقیقت مسیح را در بردارد؛ ۴- عاملی است حیاتی، زنده و مستمر و نه جدا از حیات کلیسا بلکه درون آن.

گاهی اوقات پروتستانها از «توسعه اصول جزمی» کاتولیکها ناراحت می‌شوند اما این نظریه در باب سنت می‌تواند کمکی بسیار عظیم در درک این واقعیت باشد. زیرا در سایه آنچه بیان شد نه تنها توسعه و گسترش سنت، منطقی و قابل قبول خواهد بود بلکه به نظر ضروری نیز می‌آید.

\* \* \*

## سؤالاتی برای بحث گروهی

- ۱- دو جنبه نظریه حقیقی سنت را نام ببرید؟
- ۲- روند انتقال سنت چیست؟
- ۳- آیا می توان به میراث ملی ما چیزی افزود؟ آیا می توان به میراث مسیحی ما چیزی افزود؟ در این مورد بحث کنید.
- ۴- چند طریق را که در آن سنت کلیسا به شکل ملموس تری بیان شده نام ببرید.
- ۵- کاربرد سنت را در کلیسا توضیح دهید.
- ۶- مهمترین واقعه عهد عتیق کدام است؟
- ۷- در عهد عتیق، مکاشفه الهی یک واقعیت در حال رشد و توسعه است. در این مورد توضیح دهید.
- ۸- مکاشفه در کجا به پایان می رسد. در این مورد گفتگو کنید.
- ۹- چه عاملی در حفظ یک آرمان به شکلی زنده، ضرورت دارد؟
- ۱۰- نقش پولس رسول در «سنت رسولان» چه بود؟
- ۱۱- پیش از عهدجدید چه مکتوباتی برای تدوین «قانون آموزه ها» برای کلیسای نوپا وجود داشت؟
- ۱۲- چه کسی اولین الهیدان کلیسا نامیده شد و چرا؟
- ۱۳- همسانی سنت شفاهی با مکاشفه اصلی و اولیه چگونه تضمین می شود؟
- ۱۴- پدران کلیسا بر چه عاملی به عنوان کلید حقیقی راهیابی به کتب مقدس تأکید نموده اند؟
- ۱۵- چگونه و در چه زمانی کتب مقدس و سنت به عنوان دو منبع جداگانه

مکاشفه الهی پذیرفته شدند؟

- ۱۶- اعلامیه شورای ترنت در باب موضوع فوق چه بود؟
- ۱۷- سه معیار و ملاک شورای ترنت در مورد این که سنت ابزار مکاشفه الهی است کدامها بودند؟
- ۱۸- نظر شورای دوم واتیکان در مورد متون و سنت به مثابه منابع مکاشفه الهی چه بود؟
- ۱۹- مکاشفه را تعریف کنید.
- ۲۰- «ودیعہ ایمان» چیست؟ آیا می توان چیزی به آن افزود؟
- ۲۱- سنت فعال چیست؟ سنت منفعل چیست؟
- ۲۲- نقش تعالیم (و مقامات) رسمی کلیسا چیست؟
- ۲۳- آیا کتاب مقدس حاوی کل مکاشفه است؟ در این مورد بحث کنید.
- ۲۴- مزایای تصور سنت به عنوان آگاهی کلیسا چیست؟
- ۲۵- بر پایه چه نکاتی امروزه الهیدانان بر موضوع احترام به سنت همرازی هستند؟